

تحلیل و سنجش رابطه کلیشه‌های جنسیتی و توانمندسازی زنان در نواحی فقیرنشین شهری (مطالعه موردی: سکونت‌گاه‌های غیررسمی شهر ایلام)

رضا جهان بین^۱
فریدون بابائی اقدام^۲
شهریور روستایی^۳
اکبر اصغری زمانی^۴

چکیده

به دنبال بازنگری مفهوم توسعه پایدار، امروزه کشورهای در حال توسعه، در پی جلب مشارکت زنان در فرآیند توسعه می‌باشند. در سکونتگاه‌های غیررسمی، یکی از موانع توانمندسازی زنان در نقش‌آفرینی آن‌ها در فرآیند مشارکت در ساماندهی محلات مسکونی خویش، وجود عقاید قالبی یا کلیشه‌هاست. کلیشه‌ها نقشی غیرقابلیتی به زنان داده‌اند. به طوری که آن‌ها هیچ فرصتی برای کسب قدرت و توانمندی نمی‌یابند. بنابراین در روند توانمندسازی زنان، مطالعه ساختارهای بازدارنده فرهنگی حایز اهمیت است. هدف این مقاله تحلیل رابطه کلیشه‌های جنسیتی و توانمندسازی زنان در سکونت‌گاه‌های غیررسمی است. همچنین رابطه توانمندسازی زنان با متغیرهای زمینه‌ای نظیر سن، تأهل، تحصیلات، وضعیت اشتغال و مهاجرت سنجیده می‌شود. پژوهش حاضر از نظر هدف بنیادی- کاربردی و از نظر روش، پیمایشی- تحلیلی است و برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق، زنان ۱۸ سال به بالای ساکن در سکونت‌گاه‌های غیررسمی شهر ایلام می‌باشد که با استفاده از شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقاتی متناسب با حجم و بر اساس فرمول نمونه‌گیری کوکران، ۳۷۷ نفر انتخاب شدند. روایی پرسشنامه با استفاده از روایی محتوا و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ (۰/۸۹) بدست آمد. برای تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS، از آزمون‌های همبستگی پیرسون، دو نمونه‌ای مستقل (T)، تحلیل واریانس (F) و تحلیل رگرسیونی بهره گرفته شد. از نرم افزار AMOS نیز برای مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) استفاده گردید. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین توانمندسازی زنان و میزان اعتقاد به کلیشه‌های جنسیتی با اطمینان لازم رابطه معناداری وجود دارد. همچنین متغیرهای زمینه‌ای همچون سن، وضعیت تأهل، تحصیلات، مهاجرت و وضعیت اشتغال رابطه معناداری با توانمندسازی زنان دارند. از این‌رو توانمندسازی آنان در این زمینه‌ها، بسترهای ظرفیت‌سازی اجتماعی محلی را فراهم می‌آورد.

واژگان کلیدی: کلیشه‌های جنسیتی، توانمندسازی زنان، سکونت‌گاه‌های غیررسمی، شهر ایلام.

مقدمه

در سکونت‌گاه‌های غیررسمی به عنوان نمود بارز فقر شهری و نابرابری فضایی، همه گروه‌های انسانی در شرایط فقر چند وجهی به سر می‌برند اما بنا بر تحقیقات انجام شده، عوارض و آسیب‌های ناشی از اسکان غیررسمی، بیشتر متوجه زنان و کودکان است (UN.Habitat, 2003: 119). از این‌رو نگرانی از پیوستن جمعی از زنان به گروه «فقیرترین فقرا» سبب طرح رویکردهای متفاوتی از

^۱. دانشجوی دکتری، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده برنامه‌ریزی و علوم محیطی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

Email: rezajahanbin5583@yahoo.com – Tel: 09181442040

^۲. دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده برنامه‌ریزی و علوم محیطی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

^۳. دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده برنامه‌ریزی و علوم محیطی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

^۴. دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده برنامه‌ریزی و علوم محیطی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

جمله «توانمندسازی زنان» شده است (شادی‌طلب و همکاران، ۱۳۸۴: ۱). در این راستا، سازمان ملل، توانمندسازی زنان در سطح گسترده را به عنوان یکی از اهداف کلیدی اعلامیه هزاره سوم اعلام کرده است (World Bank: 2003: 126) و به معیارهایی چون حق دسترسی آنان به منابع و فرصت‌ها، حق تصمیم‌گیری و انتخاب، حق کنترل زندگی خود در داخل و بیرون از خانه، قدرت تاثیرگذاری مستقیم بر جریان تغییرات اجتماعی تأکید می‌کند (UN.Habitat, 2013: 9). فعالان حقوق زنان معتقدند که توانمندسازی زنان باید به رهایی زنان و مردان از نظام‌های ارزشی کاذب و ایدئولوژی‌های سرکوبگر منجر شود. این امر موقعیتی را به وجود می‌آورد که هر کس فارغ از جنسیتش، فرد کاملی تلقی شود و از تمامی پتانسیل خود جهت ساخت جامعه‌ای انسانی‌تر برای همه استفاده کند (اوکسال و بیدن، ۱۳۸۹: ۱۱۳). در سالیان اخیر با برجسته شدن مساله سکونت‌گاه‌های غیررسمی و روشن شدن اهمیت رویکرد توانمندسازی در برنامه‌های توسعه، پژوهشگران، تحقیقاتی را در این حیطه انجام داده‌اند. روستایی و کرمی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان بررسی تاثیر مالکیت مسکن در استقلال تصمیم‌گیری و نقش‌آفرینی زنان در شهر نشان دادند درصد مالکیت مسکن در میان زنان، نرخ بسیار پایینی را نسبت به مردان نشان می‌دهد و متغیر مالکیت مسکن توانسته است به صورت مستقیم بر استقلال تصمیم‌گیری زنان و نقش‌آفرینی آنان تاثیر بگذارد. احد نژاد و نجفی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی تطبیقی تفاوت کیفیت زندگی در محلات برنامه‌ریزی شده و سکونت‌گاه‌های غیررسمی شهر زنجان نشان دادند که در شاخص‌های اقتصادی، فرهنگی و کالبدی، تفاوت بسیار فاحش است و این مساله ناشی از ناکارآمدی طرح‌های توسعه شهری در جهت توزیع فضایی مطلوب دستاوردهای توسعه در محلات شهری است. فنی و فرج‌زاده (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان توانمندسازی شغلی زنان و توسعه پایدار شهری در تهران، نشان می‌دهند هرچه امتیاز زنان در توانمندی شغلی در مقایسه با زنان با امتیاز کمتر (سطح متوسط و پایین)، بیشتر بوده، در فقرزدایی اقتصادی آن‌ها تاثیر بیشتری داشته است. یعنی نقش اشتغال گروه توانمندتر در فقرزدایی، در مقایسه با دو گروه پایین تر (متوسط و پایین) دارای تفاوت معناداری است. بشری و وجیهه^۱ (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان بررسی عوامل اقتصادی- اجتماعی موثر بر توانمندسازی زنان در پاکستان نشان می‌دهند که محتوای آموزش، مشارکت اقتصادی و فرصت‌های اقتصادی موجود برای زنان، توانمندی آن‌ها را افزایش می‌دهد. مطالعه حاضر برای نخستین بار در ایران توانمندسازی زنان در محلات اسکان غیررسمی را از منظر عقاید قالبی (کلیشه‌های جنسیتی) مورد بررسی قرار داده و با اعتقاد به مشارکت موثر همه گروه‌ها در توانمندسازی و بازآفرینی سکونت‌گاه‌های غیررسمی، جهت نیل به تز خانواده محوری صورت گرفته است. در حالی است که تاکنون همه طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های اسکان غیررسمی با محوریت نقش مردان انجام گردیده است. همچنین مطالعات توانمندسازی در گذشته عمدتاً ابعاد کالبدی و اقتصادی را به دلیل سهولت در دستیابی به شاخص‌های سنجش آن، هدف قرار داده‌اند. این تحقیق با تکیه بر نظریات و اسناد جهانی از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های زنان پرده برداشته است. در بیان وجوه تشابه مطالعه پیش‌رو با پژوهش‌های گذشته می‌توان گفت همگی ناکارآمدی طرح‌های (عمدتاً غیرمشارکتی) کنونی در ساماندهی نواحی فقیرنشین شهری و نیز دورماندن زنان از قدرت و قابلیت‌های خویش را تایید نموده‌اند. مضافاً تحقیق حاضر با احتساب تطبیق داده‌های نظری با داده‌های تجربی و با بهره‌گیری از مدل‌سازی معادلات ساختاری به سنجش درجه تاثیر و رتبه کلیشه‌های جنسیتی و متغیرهای زمینه‌ای با توانمندسازی زنان در اسکان غیررسمی پرداخته است.

در سطوح کلان، اشارات مندرج در خلال مطالعات انجام شده در سکونت‌گاه‌های غیررسمی، مساله اصلی را حاکمیت ساختارهای بازدارنده فرهنگی برای گروه زنان، نمایش می‌دهد. به گونه‌ای که در این سکونت‌گاه‌ها، زنان بیش از مردان در معرض فقر و تبعیض جنسیتی قرار دارند. این مساله، فارغ از علل گوناگون تاریخی، به این دلیل است که زنان از قابلیت‌ها و امکانات لازم برای توانمندی و کاهش فقر برخوردار نیستند. همچنین تحقیقات در سطح ناحیه‌ی مورد مطالعه نشان داده است سنج‌های اشتغال، درآمد، تحصیلات، انزوایابی و بیگانگی، تقدیرگرایی، حق مالکیت قانونی، رنگ باختگی سنت‌ها، بیماری‌های روحی و روانی، انفعال در نقش‌پذیری اجتماعی، ناآگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی، آسیب‌های اجتماعی اعم از اعتیاد، خودکشی، خشونت و بزهکاری و... در این سکونت‌گاه‌ها، برای

¹ - Bushra & Wajiha



گروه زنان، شرایط بفرنجی را رقم زده است که اغلب، این اوضاع منبعت از تحمیل کلیشه‌های جنسیتی می‌باشد (اسدالهی و دیگران، ۱۳۹۳؛ نقدی و رضایی، ۱۳۹۳؛ مهندسین مشاور تدبیر شهر، ۱۳۸۶). پیامدهای شرایط پیش گفته، علاوه بر ایجاد کلنی فقر، زنان را در وضعیت بسیار ناخوشایندی به لحاظ عدالت اجتماعی قرار داده است. به طوری که مسئولیت نقش خانه‌داری و فرزندپروری را (فارغ از نقش اجتماعی و اقتصادی)، آن هم در شرایط فقر مضاعف بر عهده دارند. از دیگر پیامدها این است که کلیشه‌های جنسیتی مانع فعالیت اجتماعی و تحرک و حضور زنان در جامعه می‌گردد و متعاقب آن تشکیل سرمایه اجتماعی محلی با مشکل مواجه می‌شود. کلیشه‌ها باعث تحمیل نقش‌های جنسیتی (خانه‌داری، فرزندآوری و...) می‌شود و نقش فاعلیتی زنان را نادیده می‌گیرد و یا کم اثر جلوه می‌دهد. همچنین، زنان را در شرایط فرودستی نگه داشته و قدرت نقش‌آفرینی در تصمیم‌گیری‌های درون و بیرون خانواده را از آنان سلب می‌نماید. بنابراین توانمندسازی زنان هم ناجی آنان در شرایط کنونی و هم زمینه ظرفیت‌سازی محلی و تحقق مشارکت‌پذیری موثر همه گروه‌ها در فرایند تصمیم‌گیری و ساماندهی این نوع از سکونت‌گاه‌هاست. بر این مبناء، مقاله حاضر با هدف تحلیل رابطه کلیشه‌های جنسیتی و توانمندسازی زنان در سکونت‌گاه‌های غیررسمی شهر ایلام و نیز سنجش رابطه توانمندسازی زنان با متغیرهای زمینه‌ای، درصدد پاسخگویی به این سوال است که: بین کلیشه‌های جنسیتی و نیز ویژگی‌های زمینه‌ای زنان و توانمندسازی آن‌ها چه رابطه‌ای وجود دارد؟ از این‌رو فرضیه پژوهش بدین صورت شکل می‌پذیرد: بین کلیشه‌های جنسیتی و متغیرهای زمینه‌ای با توانمندسازی زنان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

مبانی نظری

عقاید قالبی یا کلیشه‌ها در واقع، باورها و تصورات مورد قبول ما از ویژگی‌های شخصیتی، مخصوصاً صفات شخصیتی و رفتارهای یک گروه از افراد است (بدار و دیگران: ۱۳۸۱). به عبارتی، کلیشه‌های جنسیتی، تصویر ذهنی یکنواخت و قالب‌بندی شده‌ای از رفتارهای خاص مربوط به زنان و مردان را بدون آن‌که مورد بررسی و آزمون قرار گرفته باشند، ارائه می‌دهد. بر اساس کلیشه‌های جنسیتی، خصوصیات و توانایی‌هایی را به زنان اختصاص می‌دهند که در مردان از آن‌ها نشانه‌ای نیست و از طرف دیگر، توانایی‌ها و خصوصیات را به مردان نسبت می‌دهد که زنان از آن بی‌بهره‌اند (اعزاز، ۱۳۸۰: ۴۵). این گونه کلیشه‌ها و عقاید قالبی درباره گروه‌های مختلف نژادی، مذهبی، زبانی، قومی، جنسیتی و شغلی در جامعه رایج است (ریاحی، ۱۳۸۶: ۱۱۱). محتوای کلیشه‌های جنسیتی شامل چهار مؤلفه است: صفات، رفتارها، ویژگی‌های فیزیکی و مشاغل. وجود کلیشه‌های جنسیتی هم در عرصه خصوصی یعنی خانه و خانواده، و هم در عرصه عمومی یعنی اجتماع و بازار کار، زنان را در موقعیت فرودستی قرار می‌دهد و هر کدام از زنان و مردان در بازتولید این جایگاه نابرابر، نقش فعال دارد (شادی‌طلب، ۱۳۸۱) و این نیز به نوبه خود به شدت تحت تاثیر یادگیری اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرند (Lorber, 2000: 456).

توانمند ساختن در واژه‌نامه آکسفورد به معنای «دادن اختیار و قدرت به کسی برای انجام کاری» است. توانمندسازی از مولفه‌های اصلی پارادایم جدید توسعه و از عناصر اصلی بازنگری در مفهوم آن است و آن تواناسازی و تفویض اختیار به مردم است. دلالت مستقیم توانمندسازی مقابله با عوامل بی‌قدرتی چون نداشتن قدرت اقتصادی، نداشتن قدرت تصمیم‌گیری و نداشتن قدرت انتخاب که به معنای فقر فرهنگی یا ناآگاهی است (وزارت کشور، ۱۳۸۷: ۲۷۱).

ریفکین، توانمندسازی را فرایندی می‌داند که به واسطه آن، افراد بر امور و کارهایشان تسلط بیشتری می‌یابند و با کسب قدرت بالا، کنترل بر منابع، اعتمادسازی، ظرفیت‌سازی و مشارکت فعال قادرند مسیر زندگیشان را به درستی هدایت کنند (Rifkin, 2003: 173). آگبومه توانمندسازی زنان را فرایندی پویا می‌داند که توانایی زنان برای تغییر ساختارها و ایدئولوژی‌هایی که آن‌ها را در موقعیت فرودستی (وابستگی) نگه داشته است، در بر می‌گیرد (Ugbomeh, 2001: 13). کبیر به عنوان یکی از طرفداران نظریه توانمندسازی زنان، معتقد است که توانمندسازی حاوی سه عنصر یا مفهوم مشترک است: منابع، عاملیت، و دستاوردها (کبیر، ۱۳۸۹: ۱۵-۱۴). از نظر وی نخستین بعد توانمندسازی، منابع است که در بر گیرنده‌ی منابع متنوع انسانی و اجتماعی است که توانایی انجام دادن انتخاب را افزایش می‌دهد و از عوامل تسهیل‌کننده توانمندسازی می‌باشد. همچون اشتغال و آموزش. دومین بعد، عاملیت است که عبارت است از توانایی تعریف و تعیین هدف و اقدام در راستای رسیدن به این هدف. این مفهوم در واقع نوعی حس «فاعلیت» و «قدرت درونی» است. در واقع عاملیت زنان به

این موضوع اشاره دارد که زنان را نباید فقط به عنوان دریافت کنندگان خدمات در نظر گرفت بلکه زنان باید به عنوان بازیگران اصلی در فرایند تغییر، به‌ویژه در تدوین انتخاب‌های مهم زندگی و کنترل بر منابع و تصمیماتی که تأثیر مهمی در زندگی آن‌ها دارد، در نظر گرفته شوند. سومین بعد توانمندسازی، دستاوردها یا نتایج انتخاب‌ها و پیامدهاست که در اثر فرایند توانمندسازی ایجاد می‌شوند. نظیر داشتن مشارکت در زندگی اجتماعی و سیاسی و غیره (Kabeer, 1999: 213).

از نظر مالوتره^۱ و همکارانش، جزء دوم یعنی عاملیت، در مرکز بسیاری از مفهوم‌پردازی‌های توانمندسازی قرار دارد. عاملیت انسانی به عنوان فرآیند از میان برداشتن انواع مختلف عواملی که مانع انتخاب و عاملیت انسانی می‌گردد، است. این مفهوم دربرگیرنده‌ی توانایی ضابطه‌گذاری برای انتخاب‌های سرنوشت‌ساز و کنترل منابع و تصمیماتی است که بر نتایج مهم زندگی تأثیر می‌گذارند (مالوتره و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۶۳-۱۶۶).

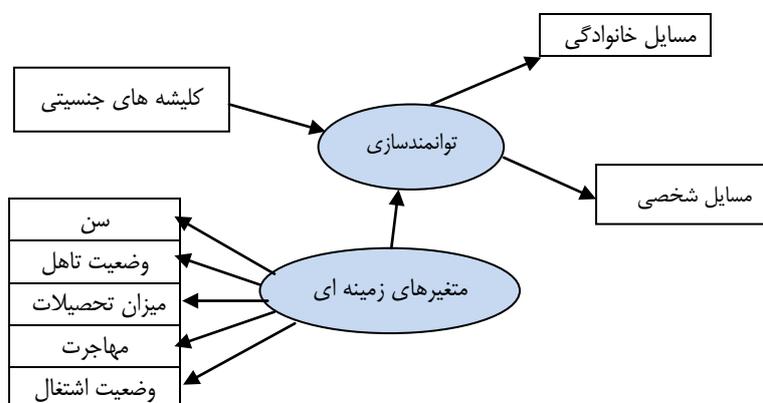
داده‌ها و روش‌ها

تحقیق حاضر از نظر هدف از نوع تحقیقات بنیادی- کاربردی و از حیث روش بررسی، مبتنی بر روش توصیفی- تحلیلی می‌باشد. داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز، با توجه به ماهیت موضوع، به دو روش اسنادی (کتابخانه‌ای) و میدانی (پرسشنامه) گردآوری شده است. اخذ داده‌های مورد نیاز به صورت پیمایشی بوده و با استفاده از تنظیم و تکمیل پرسشنامه انجام گرفته است. روایی محتوا و صوری پرسشنامه توسط کارشناسان مورد تأیید قرار گرفت و پایایی آن نیز بوسیله آلفای کرونباخ صورت گرفته که مقدار آن ۸۹٪ به دست آمده است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه زنان ۱۸ سال به بالای ساکن در سکونت‌گاه‌های غیررسمی شهر ایلام می‌باشند. حجم نمونه ۳۷۷ نفر بوده است که با استفاده از فرمول کوکران انتخاب شده‌اند. روش نمونه‌گیری تصادفی طبقاتی متناسب با حجم می‌باشد. تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS و با استفاده از آزمون‌های تحلیل واریانس (F)، همبستگی پیرسون، دو نمونه‌ای مستقل (T) و تحلیل رگرسیونی صورت گرفته است. همچنین از نرم‌افزار (AMOS) جهت مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) استفاده شده است.

در این تحقیق به منظور سنجش توانمندسازی زنان، تصمیم‌گیری زنان در دو حیطه فردی و خانوادگی با ۱۶ مورد، در طیف لیکرت سنجیده شده و متغیر کلیشه‌های جنسیتی نیز با ۱۷ گویه مورد اندازه‌گیری قرار گرفته است. همچنین در این مقاله علاوه بر رابطه بین کلیشه‌های جنسیتی و توانمندسازی زنان، رابطه متغیرهای زمینه‌ای چون سن، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات، مهاجرت و وضعیت اشتغال با توانمندسازی بررسی می‌شود. پس از مطالعه مبانی نظری و تحقیقات مرتبط داخلی و خارجی، مدل مفهومی تحقیق در شکل ۱ نمایش داده شده است.

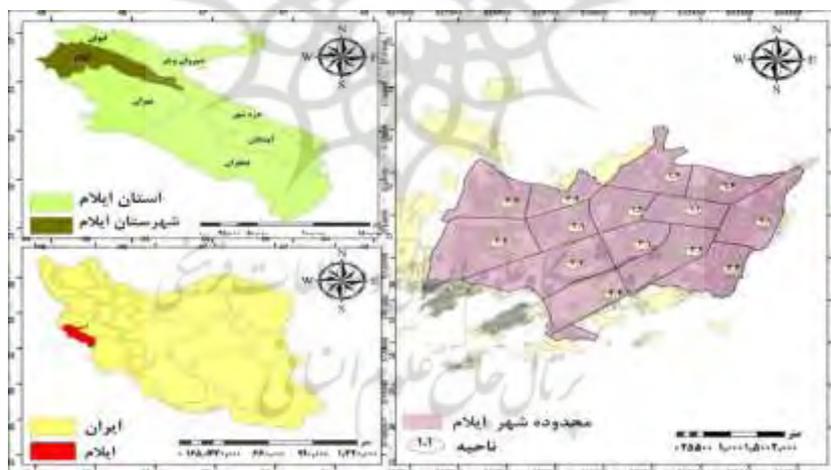
پرتال جامع علوم انسانی

¹ - Malhotra



شکل شماره (۱). مدل نظری تحقیق

از نظر جغرافیایی، ایلام مرکز استان ایلام است که در شمال غرب آن واقع شده است. محدوده جغرافیایی پژوهش شهر ایلام می‌باشد. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ جمعیت شهرستان ۲۳۵۱۴۴ نفر بوده است که از این تعداد ۸۵ درصد آن در نقاط شهری سکونت داشته‌اند. در این میان ۱۹۴۰۰۰ نفر در محدوده قانونی شهر سکنی گزیده‌اند و با مساحت ۱۸۰۰ هکتار، دارای ۴ منطقه شهری و ۱۴ ناحیه است که ۳ ناحیه آن را بطور کامل سکونت‌گاه‌های غیررسمی بنام‌های بانبرز، بانبور و سبزی‌آباد، مجموعاً با جمعیتی بالغ بر ۵۳۰۰۰ نفر و با مساحتی به مقدار تقریبی ۴۰۰ هکتار تشکیل داده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).



شکل شماره (۲). موقعیت جغرافیایی شهر ایلام در تقسیم‌بندی سیاسی کشور

تجزیه و تحلیل داده‌ها

یافته‌های توصیفی پژوهش نشان می‌دهد از نظر توزیع سنی، ۴۱/۹ درصد پاسخگویان زیر ۳۰ سال، ۴۱/۹ درصد ۳۰ تا ۴۵ و ۱۶/۲ درصد ۴۵ تا ۶۰ سال داشته‌اند. از نظر وضعیت تأهل ۲۵/۲ درصد مجرد، ۶۶ درصد متأهل و ۸/۸ درصد بدون همسر بوده‌اند. در زمینه تحصیلات، ۷۶/۹ درصد دارای تحصیلات دیپلم و پایین‌تر از آن هستند، ۴/۲ درصد مدرک کاردانی و ۱۸/۸ درصد مدرک لیسانس و بالاتر از آن داشته‌اند. از نظر وضعیت اشتغال، ۹/۶ درصد شاغل، ۰/۵ درصد بازنشسته و تقریباً ۹۰ درصد بیکار (خانه‌دار، در جستجوی کار، در حال تحصیل) می‌باشند. آن دسته از زنان نیز که شاغلند، ۸ درصد در مشاغل آزاد (خیاطی، کاربر رایانه، آرایشگری، مغازه‌داری) و ۳/۴ درصد در مشاغل دولتی (پرستار، کارمند، معلم) مشغول به کار هستند.

با توجه به هدف تحقیق، جهت سنجش رابطه بین اعتقاد به کلیشه‌های جنسیتی در بین زنان و توانمندسازی آن‌ها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید.

جدول (۱). ضریب همبستگی پیرسون بین کلیشه‌های جنسیتی و توانمندسازی زنان

		توانمندسازی	کلیشه‌های جنسیتی
توانمندسازی	ضریب همبستگی پیرسون	۱	-۰.۱۷۴
	سطح معنی داری (دوطرفه)		۰.۰۱
	تعداد	۳۷۶	۳۷۶
کلیشه‌های جنسیتی	ضریب همبستگی پیرسون	-۰.۱۷۴	۱
	سطح معنی داری (دوطرفه)	۰.۰۱	
	تعداد	۳۷۶	۳۷۷

با توجه به نتایج آزمون پیرسون (مقدار $r = -0.174$ و سطح معنی داری $= 0.01$)، می‌توان ادعان داشت که بین اعتقاد به کلیشه‌های جنسیتی و توانمندسازی زنان با اطمینان لازم رابطه معنادار و غیر مستقیم برقرار است. یعنی هر چه زنان به کلیشه‌های جنسیتی اعتقاد بیشتری داشته باشند، توانمندی آن‌ها کمتر است و بالعکس. در حقیقت اطلاعات جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که حذف کلیشه‌های جنسیتی، توانمندی زنان را افزایش می‌دهد. هر چه زنان بیشتر مخالف کلیشه‌های جنسیتی باشند، بر میزان توانمندی آن‌ها نیز افزوده می‌شود.

رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای (سن، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات، مهاجرت و وضعیت اشتغال) با توانمندسازی زنان نیز به شرح ذیل است:

برای سنجش رابطه بین سن زنان و توانمندسازی آن‌ها از آزمون پیرسون استفاده گردید.

جدول (۲). ضریب همبستگی پیرسون بین سن و توانمندسازی زنان

		توانمندسازی	سن
توانمندسازی	ضریب همبستگی پیرسون	۱	-۰.۱۰۹
	سطح معنی داری (دوطرفه)		۰.۳۴
	تعداد	۳۷۶	۳۷۶
سن	ضریب همبستگی پیرسون	-۰.۱۰۹	۱
	سطح معنی داری (دوطرفه)	۰.۳۴	
	تعداد	۳۷۶	۳۷۷

با توجه به نتایج آزمون پیرسون (مقدار $r = -0.109$ و سطح معنی داری $= 0.34$)، می‌توان ادعان داشت که بین سن و توانمندسازی زنان با اطمینان لازم رابطه معنادار و غیر مستقیم برقرار است. یعنی هر چه سن زنان بیشتر باشد، توانمندسازی آن‌ها کمتر است و بالعکس. در واقع بر خلاف سال‌های گذشته که زنان با بالا رفتن سن، قدرت تصمیم‌گیری بیشتری در امور مختلف داشته‌اند، این تحقیق نشان می‌دهد که افزایش سن لزوماً به افزایش قدرت تصمیم‌گیری نمی‌انجامد.

برای سنجش رابطه بین وضعیت تأهل زنان و توانمندی آن‌ها از آزمون دو نمونه‌ای مستقل (T) استفاده گردید. با توجه به جدول ۳، میانگین توانمندی برای زنانی که بدون همسر (مجرد، در اثر طلاق، متارکه، فوت) هستند برابر با $3/05$ و برای زنانی که متأهلند، $2/80$ می‌باشد.



جدول (۳). آمار توصیفی (T-TEST) برای تفاوت میانگین توانمندی زنان بر حسب تأثیر وضعیت تأهل

انحراف از استاندارد	میانگین	تعداد	توانمندسازی وضعیت تأهل
.۸۷	۳۰۰۵	۱۲۸	بدون همسر
.۹۱	۲۸۰	۲۴۸	متأهل
.۹۰	۲۸۹	۳۷۶	جمع کل

جدول (۴). نتایج آزمون دو نمونه‌ای مستقل (T) بین وضعیت تأهل و متوسط توانمندسازی زنان

		T	درجه آزادی	سطح معنی داری (دو طرفه)	تفاوت میانگین
توانمندسازی	واریانس برابر	۲.۵۶۱	۳۷۴	.۰۱۱	.۲۵
	واریانس نابرابر	۲.۶۰۰	۲۶۷.۵۱۷	.۰۱۰	.۲۵

نتایج به دست آمده از آزمون دو نمونه‌ای مستقل (مقدار $t = ۲/۰۵۶۱$ و سطح معنی داری $= ۰/۰۱۱$) بیانگر وجود تفاوت معنادار بین میانگین توانمندی زنان بر حسب کسانی که بدون همسرند با کسانی که متأهلند، می‌باشد. با مقایسه میانگین‌ها در بین دو گروه (پاسخگویان بدون همسر با میانگین $= ۳/۰۵$ و پاسخگویان متأهل با میانگین $= ۲/۸۰$)، توانمندی در بین زنان بدون همسر نسبت به زنان متأهل، بیشتر است.

برای سنجش رابطه بین تحصیلات زنان و توانمندسازی آن‌ها، آزمون تحلیل واریانس (F) به کار گرفته شد. با توجه به جدول ۵، میانگین توانمندی برای زنانی که سطح تحصیلات آن‌ها دیپلم و پایین‌تر است برابر با $۲/۶۹$ ، برای زنانی که مدرک آن‌ها کاردانی است $۳/۴۶$ و برای آن‌ها که لیسانس و بالاتر هستند، $۳/۵۵$ می‌باشد.

جدول (۵). توزیع پاسخگویان بر حسب میانگین توانمندسازی و میزان تحصیلات

انحراف از استاندارد	میانگین	تعداد	توانمندسازی تحصیلات
.۸۳	۲۶۹	۲۸۹	دیپلم و پایین‌تر
.۷۱	۳۴۶	۱۶	کاردانی
.۸۶	۳۵۵	۷۱	لیسانس و بالاتر
.۹۰	۲۸۹	۳۷۶	جمع کل

جدول (۶). نتایج آزمون تحلیل واریانس بین میزان تحصیلات و متوسط توانمندسازی

واریانس	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معنی داری
بین گروهی	۴۷.۶۴۹	۲	۲۳.۸۲۴	۳۳.۹۵۵	.۰۰۰
درون گروهی	۲۶۱.۷۱۲	۳۷۳	.۷۰۲		
جمع کل	۳۰۹.۳۶۱	۳۷۵			

با توجه به (مقدار $F = ۳۳/۹۵۵$ و سطح معنی داری $= ۰/۰۰۰$) می‌توان نتیجه گرفت واریانس درون گروهی و بین گروهی میانگین توانمندسازی زنان و تحصیلات متفاوت می‌باشد. در حقیقت بین میزان تحصیلات و توانمندسازی زنان رابطه وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چه سطح سواد زنان بالاتر می‌رود، میزان توانمندی آنان نیز افزایش می‌یابد.

برای سنجش رابطه بین وضعیت مهاجرت زنان و توانمندسازی آن‌ها از آزمون دو نمونه‌ای مستقل (T) استفاده گردید. با توجه به جدول شماره ۷ که توزیع زنان پاسخگو را بر حسب میانگین توانمندسازی و وضعیت مهاجرت نشان می‌دهد، میانگین توانمندسازی برای پاسخگویانی که مهاجر هستند برابر با ۳/۰۳ و برای زنانی که مهاجر نیستند، برابر با ۲/۷۳ می‌باشد.

جدول (۷). آمار توصیفی آزمون (t-test) برای تفاوت میانگین توانمندی زنان بر حسب وضعیت مهاجرت

انحراف از استاندارد	میانگین	تعداد	توانمندسازی وضعیت مهاجرت
.۸۷	۳.۰۳	۱۹۵	بله
.۹۳	۲.۷۳	۱۷۷	خیر
.۹۱	۲.۸۹	۳۷۲	جمع کل

جدول (۸). نتایج آزمون دو نمونه‌ای مستقل (T) بین مهاجرت و متوسط توانمندسازی زنان

	T	درجه آزادی	سطح معنی داری (دو طرفه)	تفاوت میانگین
توانمندسازی وارینانس برابر	۳.۲۶۶	۳۷۰	.۰۰۱	.۳۰
وارینانس نابرابر	۳.۲۵۵	۳۶۰.۳۰۶	.۰۰۱	.۳۰

نتایج به دست آمده از آزمون دو نمونه‌ای مستقل (مقدار $t = ۳/۲۶۶$ و سطح معنی داری $= ۰/۰۰۱$) بیانگر وجود تفاوت معنادار بین میانگین توانمندسازی زنان مهاجر و غیرمهاجر می‌باشد. با مقایسه میانگین‌ها در بین دو گروه (پاسخگویان بله با میانگین ۳/۰۳ و پاسخگویان خیر با میانگین ۲/۷۳)، می‌توان گفت توانمندی زنانی که مهاجر بوده‌اند نسبت به زنانی که مهاجر نبوده‌اند، بیشتر است. به عبارت دیگر مهاجرت برای زنان، توانمندی آن‌ها را افزایش داده است.

برای سنجش رابطه بین وضعیت اشتغال زنان و توانمندسازی آن‌ها، آزمون تحلیل واریانس (F) به عمل آمد. با توجه به جدول ۹، میانگین توانمندی زنان شاغل برابر با ۳/۶۳، زنان بازنشسته ۴/۲۵ و برای آنان که از نظر وضعیت اشتغال، بیکار (خانه‌دار، در جستجوی کار، در حال تحصیل) بوده‌اند، ۲/۷۹ می‌باشد.

جدول (۹). توزیع پاسخگویان بر حسب میانگین توانمندسازی و وضعیت اشتغال

انحراف از استاندارد	میانگین	تعداد	توانمندسازی وضعیت اشتغال
.۸۶	۳.۶۳	۳۶	شاغل
.۰۰	۴.۲۵	۲	بازنشسته
.۸۸	۲.۷۹	۳۳۶	بیکار
.۹۱	۲.۸۸	۳۷۴	جمع کل

جدول (۱۰). نتایج آزمون تحلیل واریانس بین وضعیت اشتغال و متوسط توانمندسازی

سطح معنی داری	F	میانگین مجزورات	درجه آزادی	مجموع مجزورات	واریانس
.000	۱۷.۲۵۱	۱۳.۱۵۳	۲	۲۶.۳۰۶	بین گروهی
		.۷۶۲	۳۷۱	۲۸۲.۸۷۰	درون گروهی
			۳۷۳	۳۰۹.۱۷۶	جمع کل

با توجه به (مقدار $F = ۱۷/۲۵۱$ و سطح معنی داری $= ۰/۰۰۰$) می‌توان نتیجه گرفت واریانس درون گروهی و بین گروهی میانگین توانمندسازی زنان و وضعیت اشتغال متفاوت می‌باشد. به عبارت دیگر بین اشتغال و توانمندی زنان رابطه وجود دارد.



بحث و بررسی

این پژوهش نقش و جایگاه توانمندسازی زنان در سکونت‌گاه‌های غیررسمی را در بعد عوامل فرهنگی، با تکیه بر رابطه کلیشه‌های جنسیتی و توانمندسازی زنان (که تا کنون از دید برنامه‌ریزان شهری پنهان بود) مورد بررسی قرار داد و با آنالیز داده‌ها فرضیه تحقیق را تایید نمود. در تحقیقات اجتماعی و اقتصادی معمولاً شناسایی کلیه عوامل اثرگذار بر متغیر وابسته برای محقق امکان‌پذیر نیست. با توجه به جدول شماره ۱۱، شش متغیر مستقل در جدول رگرسیونی قرار گرفتند که ضریب همبستگی چنگانه (R) آن‌ها با توانمندسازی زنان برابر با ۰/۴۷۴ و ضریب تعیین (R²) برابر با ۰/۲۲۵ بدست آمده است. این ضریب بیانگر آن است که در حدود ۰/۲۳ یعنی ۲۳ درصد از واریانس یا پراکندگی متغیر توانمندسازی زنان توسط متغیرهای مستقل موجود در مدل تجربی تحقیق تبیین می‌گردد و بقیه واریانس پراکندگی، توسط متغیرهایی تبیین می‌شود که در این تحقیق وارد نشده است.

جدول (۱۱). خلاصه مدل در خروجی تحلیل رگرسیون چندمتغیره

ضریب همبستگی چنگانه (R)	ضریب تعیین (R ²)
۰.۴۷۴	۰.۲۲۵

جدول (۱۲). ضرایب رگرسیون متغیرهای پژوهش

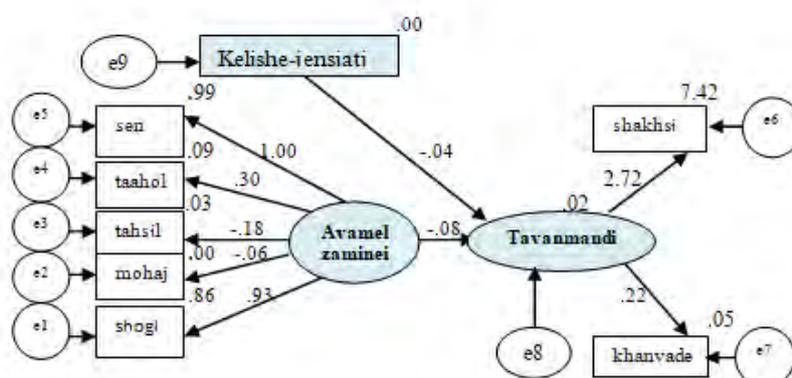
Model	ضریب زاویه		ضریب استاندارد	T	سطح معنی داری
	β	انحراف استاندارد	Beta		
کلیشه‌های جنسیتی	-۰.۱۵۷	۰.۰۷۷	-۰.۱۰۳	-۲.۰۵۵	۰.۰۴۱
وضعیت اشتغال	-۰.۳۰۶	۰.۰۷۶	-۰.۲۰۰	-۴.۰۴۳	۰.۰۰۰
مهاجرت	-۰.۲۱۷	۰.۰۸۷	-۰.۱۱۹	-۲.۴۹۷	۰.۰۱۳
میزان تحصیلات	۰.۳۵۰	۰.۰۵۷	۰.۳۰۴	۶.۱۳۴	۰.۰۰۰
وضعیت تأهل	-۰.۱۶۰	۰.۰۹۵	-۰.۰۸۳	-۱.۶۸۶	۰.۰۹۳
سن	-۰.۰۰۲	۰.۰۰۵	-۰.۰۳۳	-۰.۴۵۲	۰.۶۵۱

جدول شماره ۱۲ نشان می‌دهد از بین متغیرهای مستقل، متغیر میزان تحصیلات با $\beta = ۰/۳۵۰$ بیشترین تأثیر را بر متغیر توانمندی زنان دارد و پس از آن وضعیت اشتغال با $\beta = -۰/۳۰۶$ ، مهاجرت با $\beta = -۰/۲۱۷$ ، وضعیت تأهل با $\beta = -۰/۱۶۰$ ، کلیشه‌های جنسیتی با $\beta = -۰/۱۵۷$ و در آخر سن با $\beta = -۰/۰۰۲$ در تبیین متغیر وابسته تأثیر داشته‌اند. بر اساس ضریب معناداری در جدول شماره ۱۳، با $p \leq ۰/۰۵$ می‌توان نتایج تحقیق را به جامعه آماری تعمیم داد.

جدول (۱۳). تحلیل واریانس برای آزمون معناداری شکل رگرسیونی (برآورد واریانس)

Model	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
مجموع مجذورات رگرسیون	۶۹.۵۲۵	۶	۱۱.۵۸۷	۱۷.۶۱۸	.۰۰۰
مجموع مجذورات باقیمانده	۲۳۹.۴۰۲	۳۶۴	۰.۶۵۸		
جمع کل	۳۰۸.۹۲۷	۳۷۰			

در این پژوهش با بهره‌گیری از نرم‌افزار (AMOS)، از روش معادله ساختاری (SEM) که یکی از روش‌های نوین بررسی روابط علی بین متغیرهاست برای تحلیل معادلات ساختاری مدل پیشنهادی استفاده شده است.



شکل شماره (۳). مدل معادله ساختاری تحقیق

شکل شماره ۳ شاخص‌های مدل، آزمون نیکویی برازش ساختار نظری مطرح شده با داده‌های مشاهده شده و اعتبار سازه‌ای وسیله اندازه‌گیری مورد بحث را نشان می‌دهد.

جدول (۱۴). شاخص‌های برازش مدل و تفسیر برازش قابل قبول

معیار برازش مدل	سطح قابل قبول	تفسیر	میزان حاصل	حد پذیرش
کای اسکوتر (CMIN)	مقدار کای اسکوتر جدول	کای اسکوتر به دست آمده با کای اسکوتر جدول برای یک درجه آزادی مشخص مقایسه می‌شود.	۱۶۵.۸۷۱	قابل قبول
کای اسکوتر نسبی (CMIN/DF)	از ۱ تا ۵ قابل پذیرش ولی بین ۳ تا ۲ خوب	مقدار کمتر از ۱ نشان‌دهنده ضعف برازش و مقدار بیشتر از ۵ منعکس‌کننده نیاز به بهبود است.	۸.۷۳۰	تأحدی قابل قبول
نیکویی برازش (GFI)	(عدم برازش) تا ۱ (برازش کامل)	مقدار نزدیک به ۰/۹۵ منعکس‌کننده یک برازش مطلوب است.	۰.۹۰۹	قابل قبول
ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)	کوچکتر از ۰/۱۰	مقدار کمتر از ۰/۰۵ یک برازش خوب را نشان می‌دهد.	۰.۱۴۳	قابل قبول
توکر لوئیس (TLI)	(عدم برازش) تا ۱ (برازش کامل)	تلاش می‌کند تا نقطه ضعف شاخص بنتلر-بونت (NFI) در به حساب نیاوردن جریمه شاخص برای افزودن پارامتر را مرتفع کند.	۰.۸۰۵	تأحدی قابل قبول
شاخص تطبیقی IFI	(عدم برازش) تا ۱ (برازش کامل)	بر اساس مدل تدوین شده یا مفروض با مدل استقلال	۰.۸۶۹	تأحدی قابل قبول
RMR	مقدار نزدیک به صفر	ماتریس باقیمانده برای مقایسه دو مدل متفاوت با داده‌های یکسان که کوچکتر بودن آن برای یک مدل در مقایسه با مدل دیگر می‌تواند به عنوان یکی از معیارهای بهتر بودن آن مدل تلقی شود.	۰.۲۸۶	قابل قبول
شاخص برازش هنجار شده مقتصد (PNFI)	بالتر از ۰/۵۰ یا ۰/۶۰	از حاصل ضرب نسبت اقتصاد مدل در شاخص برازش هنجار شده حاصل می‌شود.	۰.۵۸۰	قابل قبول
شاخص برازش تطبیقی مقتصد (PCFI)	بالتر از ۰/۵۰ یا ۰/۶۰	هرچه مدل به یک اشباع شده نزدیک‌تر باشد بیشتر جریمه می‌شود.	۰.۵۸۹	قابل قبول



جدول ۱۴، شاخص‌های برازش مدل و تفسیر قابل قبول آن را نشان می‌دهد. با توجه به شاخص‌های نیکویی و برازش مدل، $\chi^2/df = ۰/۱۴۳$ ، $RMSEA = ۰/۵۸۰$ ، $RMR = ۰/۲۸۶$ ، $IFI = ۰/۸۶۹$ ، $TLI = ۰/۸۰۵$ ، $GFI = ۰/۹۰۹$ ، $CMIN/DF = ۸/۷۳۰$ ، $CMIN = ۱۶۵/۸۷۱$ ، $PCFI = ۰/۵۸۹$ ، $PNFI$ ، مدل تحقیق از برازش نسبتاً مناسبی برخوردار می‌باشد.

نتیجه‌گیری

توانمندسازی زنان در برنامه‌ریزی سکونت‌گاه‌های غیررسمی می‌تواند نگرشی پراگماتیسمی و واقع‌بینانه در برخورد با مساله فوق تلقی گردد چراکه زنان بعنوان نیمی از پیکره جامعه، بخشی از توسعه هستند از این‌رو نباید نقش عاملیتی آنان به فراموشی سپرده شود. باورهای مربوط به نقش‌های جنسیتی که از زمان‌های دور در فرهنگ این مرز و بوم ریشه دوانده است، یکی از اساسی‌ترین عواملی است که مانع حضور زنان در جامعه می‌شود. بر اساس این باورها، نقش دست دوم زنان ترویج می‌شود و حتی خود آنان متقاعد می‌شوند که نباید وظایف اصلی و اولیه را در جامعه عهده‌دار شوند. باور عمومی از دیرباز این بوده که زنان فقط قادر به انجام برخی وظایف سنتی خاص بوده و فاقد توانایی‌های لازم برای انجام امور دیگر هستند. اعتقاداتی از این دست تمام اعتماد زنان را نسبت به توانایی‌های خود از بین می‌برد. تحقیق حاضر نشان داد که بین اعتقاد به کلیشه‌های جنسیتی و توانمندسازی زنان رابطه معنادار و غیرمستقیم برقرار است. هر چه مخالفت زنان با کلیشه‌های جنسیتی بیشتر باشد، بر میزان توانمندی آن‌ها نیز افزوده می‌شود. بنابراین اصلاح کلیشه‌های جنسیتی با محوریت آموزش، زن را از یک فرد منفعل که نیاز به توجه دیگران دارد، رها کرده و او را به یک کنشگر فعال و توانمند در جامعه تبدیل می‌کند و زمینه ظرفیت‌سازی اجتماعی محلی و فرهنگ مشارکت محلی را فراهم می‌آورد. یافته‌های پژوهش همچنین نشان می‌دهد که متغیرهای زمینه‌ای همچون سطح تحصیلات، اشتغال، وضعیت تأهل، سن و مهاجرت در توانمندسازی زنان نقش مؤثر دارند. در این متغیرها، افزایش سطح تحصیلات و اشتغال بیشترین تأثیر را بر توانمندسازی زنان دارند و باعث افزایش توانایی آن‌ها در اعمال عاملیت می‌شود. همچنین میانگین توانمندسازی زنان مجرد و بدون همسر با زنان متأهل متفاوت است. در واقع توانمندی زنان مجرد و بدون همسر نسبت به زنان متأهل، بیشتر است.

در این میان، یافته‌ها حاکیست بین سن و توانمندسازی زنان رابطه معنادار و غیرمستقیم برقرار است. یعنی هرچه سن زنان بیشتر باشد، توانمندی آن‌ها کمتر است و بالعکس. در واقع بر خلاف سال‌های گذشته که زنان با بالا رفتن سن، قدرت تصمیم‌گیری بیشتری در امور مختلف داشته‌اند، این تحقیق نشان می‌دهد که افزایش سن لزوماً به افزایش قدرت تصمیم‌گیری نمی‌انجامد. در نهایت بین توانمندسازی زنان و مهاجرت نیز رابطه وجود دارد. توانمندی زنانی که از مکان‌های دیگر به مناطق حاشیه‌نشین مهاجرت کرده‌اند نسبت به زنانی که از ابتدا در این محله‌ها سکونت داشته‌اند، بیشتر است. به عبارت دیگر مهاجرت، توانمندی زنان را افزایش می‌دهد.

در تحقیق حاضر از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) که یکی از روش‌های نوین بررسی روابط علی بین متغیرهاست با استفاده از نرم‌افزار (AMOS) بهره گرفته شد و در آن تحلیل معادلات ساختاری مدل پیشنهادی انجام گرفت. بر همین اساس با توجه به شاخص‌های نیکویی و برازش مدل، مدل تحقیق از برازش نسبتاً مناسبی برخوردار می‌باشد.

مطالعه حاضر برای اولین بار در ایران موضوع توانمندسازی فرهنگی زنان را با تأکید بر کلیشه‌های جنسیتی در سکونت‌گاه‌های غیررسمی مورد کاوش قرار داده است. یافته‌های این پژوهش در مقایسه با تحقیقات پیشین نشان داد که عوامل فرهنگی می‌تواند همسنگ عوامل اقتصادی و کالبدی که بیشتر از سایر عوامل مورد تأکید برنامه‌ریزان شهری است، در توانمندسازی ساکنان سکونت‌گاه‌های غیررسمی و خاصه زنان مؤثر باشد. اغلب تحقیقات گذشته زنان را دارای نقشی تبعی و دنباله‌رو در ساماندهی اسکان غیررسمی دانسته‌اند اما این مطالعه با توجه به دیدگاه‌ها و نظریات متقن و نیز اسناد مراجع بین‌المللی، زنان را دارای نقشی قانونی در خانه و بیرون از خانه دانسته است که برای نقش‌آفرینی واقعی، فعال و مؤثر آن‌ها، عبور از کلیشه‌های جنسیتی محض، با نگاه به سایر پتانسل‌ها و توانایی‌های آنان الزامی می‌نماید.

منابع

- احدنژاد، محسن، نجفی، سعید (۱۳۹۵)، بررسی تطبیقی تفاوت کیفیت زندگی در محلات برنامه‌ریزی شده و سکونت‌گاه‌های غیررسمی شهری (نمونه موردی: محلات کارمندان و اسلام‌آباد شهر زنجان)، *نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی*، سال ۲۰، شماره ۵۷، صص ۲۳-۴۷
- اسدالهی، عبدالرحیم، حسین‌زاده، علی‌حسین، نواح، عبدالرضا (۱۳۹۳)، نقش نهاد اقتصاد و فرهنگ در توسعه و حاشیه‌نشینی: شاخص توسعه انسانی در مناطق حاشیه‌نشین شهر ایلام، *فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، دوره اول، شماره ۲، صص ۱۰۹-۱۳۲.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۰)، *تحلیل ساختاری جنسیت: نگرشی بر تحلیل جنسیتی در ایران*، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- اوکسال، زو، بیدن، سالی (۱۳۸۹)، جنسیت و توانمندی: مضامین، رویکردها و تأثیرات سیاستی آن، ترجمه اکرم خاتم، *مجموعه مقالات توانمندی زنان: نقدی بر رویکردهای رایج توسعه*، چاپ اول، تهران، نشر آگه.
- بدار، لوک، دزبل، ژوزه، لامارش، لوک (۱۳۸۱)، *روانشناسی اجتماعی*، ترجمه حمزه گنجی، تهران: نشر ساوالان.
- روستایی، شهریور، کرمی، سونیا (۱۳۹۶)، بررسی تأثیر مالکیت مسکن در استقلال تصمیم‌گیری و نقش‌آفرینی زنان در شهر (مورد: سنندج)، *نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی*، سال ۲۱، شماره ۵۹، صص ۱۳۳-۱۵۱
- ریاحی، محمداسماعیل (۱۳۸۶)، عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی، *فصلنامه پژوهش زنان*، دوره ۵، شماره ۱.
- شادی‌طلب، ژاله (۱۳۸۱)، توسعه و چالش‌های زنان ایران، تهران، قطره.
- فنی‌زهره، فرج‌زاده، مژگان (۱۳۹۳)، توانمندسازی شغلی زنان و توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: زنان شاغل منطقه ۱۸ شهر تهران)، *دو فصلنامه جغرافیا و توسعه فضای شهری*، دانشگاه فردوسی مشهد، سال اول، شماره ۱، صص ۹۱-۱۰۲
- کبیر، نایلا (۱۳۸۹)، تأملی در سنجش قدرتمند شدن زنان: منابع، عاملیت، دستاوردها، ترجمه فاطمه صادقی، *مجموعه مقالات توانمندی زنان: نقدی بر رویکردهای رایج توسعه*، چاپ اول، تهران، نشر آگه.
- مالوتره، آنجو، بوندر، کارول؛ شولر، سیدنی روث (۱۳۸۹)، سنجش توانمندی زنان به عنوان یک متغیر در توسعه بین‌المللی، ترجمه هما مداح و فاطمه محمدی، *مجموعه مقالات توانمندی زنان: نقدی بر رویکردهای رایج توسعه*، چاپ اول، تهران: نشر آگه.
- مرکز آمار ایران، *سالنامه آماری استان ایلام (۱۳۹۵)*، ایلام.
- مهندسین مشاور تدبیر شهر (۱۳۸۶)، *مطالعات امکان‌سنجی بهسازی و توانمندسازی محلات فقیرنشین شهر ایلام*، سازمان مسکن و شهرسازی استان ایلام.
- نقدی، اسداله، رضایی، طوبی (۱۳۹۳)، مطالعه نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و جمعیتی زنان حاشیه‌نشین شهر ایلام (مورد مطالعه: نواحی بان‌برز، بان‌بور و سبزی‌آباد شهر ایلام)، *نشریه فرهنگ ایلام*، دوره پانزدهم، شماره ۴۲-۴۳، صص ۱۱۹-۱۰۳.
- وزارت کشور (۱۳۸۷)، *دانشنامه مدیریت شهری و روستایی*، ویراسته عباس سعیدی، تهران، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
- Bushra, Aliya, Nasra Wajiha (2015), Assessing the Socio-Economic Determinants of Women Empowerment in Pakistan, *Social and Behavioral Sciences* 177 (2015) 3-8.
- Kabeer, Naila (1999), *the conditions and consequences of choice: Reflections on the measurement of womens empowerment*, united nations research institute for social development. No. 108
- Lorber, Judith (2000), “*Social Construction of Gender*”, in Edgar F. Borgatta and Rhonda J.V. Montgomery, *Encyclopedia of Sociology*, New York: McMillan Reference.
- Rifkin, S. B. (2003), A framework linking community empowerment and health equity: it is amatter of Choice, *Centre for Health and Population Research*, Vol. 21, No. 3. PP: 168-180

- Ugbomeh.M.M.G(2001), Empowerment Women in Agricultural Education for Sustainable rural Development, *Community Development Journal*, Vol. 36, No. 4, pp: 289-302.
- UN-Habitat(2013), *State of the World's Cities 2012/2013, prosperity of cities*, United Nations Human Settlements Programme.
- UN-Habitat(2003), *THE Challenges of Slums*: global report on human settlements, 2003/Nairobi Kenya. United Nations Human Settlements Programme. First published in the UK and USA in 2003 by Earth scan Publications Ltd.
- World Bank (2003), *Poverty in Iran: Trends and Structure*, 1986-1998, Report No.24414.

